



۲۰۱۵/۰۴/۱۵

رسول پويان

طالبان و روزهای دشوار هرات

بخش سوم

توضیح

مردم ما وحشت و خشونت طالبان را با گوشت و پوست خود لمس، احساس و درک کرده اند. از خون پاک قربانیان بی دفاع در وجب و جب خاک میهن لاله های خونینی دمیده که پیام این ظلم و ستمگری را به نسل های آینده می رسانند. در باره طالبان زیاد نبشته شده است؛ اما در این نگاره فقط گوشه هایی از طرز حکومت استبدادی طالبان در عمل و به طور عینی در ولایت هرات به رشته نگارش درآمده است؛ بی شک که می تواند ماهیت واقعی این گروه را در عمل هویدا سازد.

افزایش قیودات طالبی

در میان حوادث نادره و وقایع عجیبه روزانه چشم به روزنامه اتفاق اسلام روز سه شنبه ۳۰ عقرب ۱۳۷۴ افتاد که در آن آمده بود: «طوری که به مشاهده می رسد برخی مردان ملبس به لباس غیرملي و غیرسنتي می باشند که پوشیدن این گونه لباسها به وقار و حیثیت شان لطمه وارد می کند. به این وسیله به اطلاع می رساند که مردان از پوشیدن این گونه لباسها خودداری ورزیده و خیاطان نیز از پذیرش و دوخت این لباسها و لباس زنانه معذرت بخواهند» از این اطلاعیه بر می آید که زنان از هر نوع دوخت و دوز لباس در خیاطی های بازار منع شدند و مردان مقید به پوشیدن لباس طالبی گردیدند؛ لباسی که به قول طالبان باید ملي و سنتي باشد؛ اما هدف طالبان از مقوله لباس ملي و سنتي روشن نیست؛ زیرا در افغانستان اقوام و ملیت ها در ولایات مختلف این کشور لباس سنتي خود را دارند و لباس ملي در حقیقت شامل مجموعه آنها می شود که لباس تن طالبان می تواند یکی از آن باشد. تحمیل لباس طالبی در تمام کشور و از جمله در هرات به جز تبعیض و ستم ظالمانه چیز دیگری بوده نمی تواند.

لباس ملي که به جایش، بیاید کلاه خود را به پیش خود قاضي کنیم که از صنایع ملي ما چه باقی مانده است. چه فرق می کند که تترن چینی، جاپانی، هندی، پاکستانی و دیگر تکباب خارجی را چطور برش می زنیم و مندیل فاج جاپانی و لنگی اسپشل پاکستانی را چطور برکله بی مغز می پیچانیم و کفش های چینی، جرمنی، فرانسوی، ایرانی و پاکستانی و پاپوش های متنوع لیلای و نیمرو خارجی را چگونه به پا می کنیم.

مثل این که ما می خواهیم با استعمال اجناس و تکه باب خارجی و پوشاک کهنه و لیلای دیگران سنت های ملي را رعایت کنیم و ظاهر خود را با شریعت سیاسی طالبی آراسته نمائیم. به قول معروف؛ به گیر که نگیرد. طالبان با این نمایشهای قلابی تلاش می ورزند تا خود را ملي و حامی سنن معرفی کرده و سر مردم را شیره بمالند. مردم ما پاک گیج و سرسام شده اند و نمی دانند به ساز کدام حاکم محلي و نیروی قومی برقصند و این سنن اسلامي و فرهنگ ملي را در پرتو شمع نیم مرده کی و در کجا پیدا کنند. طالبان عوض رسیدگی به امور اساسی و زیربنایی روز به روز بر شدت استبداد، اختناق و قیودات جانکاه در جامعه می افزایند و سیاست خشونت، تعصب، تبعیض و مداخلات بی جای خود را در تمام زوایای زندگی اجتماعی، خصوصی و شخصی مردم گسترش می دهند. در اطلاعیه منتشره در روزنامه اتفاق اسلام ۶ قوس ۱۳۷۴ آمده است:

۱. وجود مساجد، ملا امام ها و وضو خانه در مؤسسات، ادارات، مارکیت ها و اقامه نماز های پنجگانه در تمام اماکن متذکره.
۲. رعایت حجاب اسلامي از طرف خواهران و عدم استفاده از چادرهای نازک، مفشن و گلدار.
۳. از بین بردن عکس های مبتذل از دیوار های فروشگاه ها، روی پارچه ها و بالایی وسایل آرایشی و منع فروش هر نوع فته و کسیت های ویدئویی.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

۴. گذاشتن ریش، عمامه و استفاده از لباس های ملی و سنتی.
۵. عدم استفاده خواهان از لباس های مفسن تنگ و چسبیده و آستین کوتاه، یخن برهنه و جوراب های نازک و جدا نمودن جای زنان و مردان در بس های شهری.
۶. منع بودن سگ جنگی، کرک جنگی، کبوتربازی و کاغذ باد پرانی.

تمام همشهریان مکلف به اجرای مواد فوق بوده و با متخلف رفتار جدي و شرعي می شود و مورد بازپرس قرار می گیرد.

موتردوانی طالبان

سرعت موتردوانی طالبان مسلح در بازارهای تنگ و پر ازدحام هرات همواره ترس و وحشت می آفرید. برای طالبان پیاده روان اهمیتی نداشتند و قوانین ترافیکی مهم نبود. آنان با شتاب و زور راه خود را باز می کردند. روز شنبه ساعت ۵ عصر ۲۹ جدي ۱۳۷۴ بر سر تنده دروازه خوش موتردوانی یکی از رهروان را زخمی کرد. افراد مسلح علاوه بر این که از کردار خود معذرت نخواستند، به لت و کوب هراتی مظلوم پرداختند. این ظلم و بی رحمی احساسات مردم را به جوش آورد. بالایی افراد مسلح حمله کردند؛ سلاح شان را گرفتند و موتردوان را آتش زدند. بعد از این حادثه تعداد زیادی از مردم به فرمان قوماندان امنیه دستگیر و مجازات شدند؛ اما موتردوانی طالبان همچنان به قوت خود باقی ماند و در سرک های هرات وحشت می آفرید.

انهدام اسبان حوض سینما

زمستان سال ۱۳۷۴ بود. به دم حوض سینما دیگر سیل و صفایی دیده نمی شد. یاد دوران جوانی به خیر که در پای این حوض کنسرت های بهاری و تابستانی برگزار می گردید و خوانندگان هراتی مستانه آواز می خواندند. در تیاتر هری درامه های دلچسپ و آموزنده ای اجرا می شد. حالا نه تنها فاتحه همه هنرها را خوانده اند، بلکه به اسبان سمندی بیجان نیز رحم نکردند.

اسبان حوض لیگردان در عهد پادشاهی ظاهرخان به کوشش استاد مشعل ساخته شده بود. طالبان آن را غیر شرعی دانسته و منهدم کردند. طوری که از اعمال طلبه ها بر می آید چیزی نمانده که برای نفس کشیدن هم قیودات وضع کنند و آن را برای هراتیان مظلوم غیر شرعی اعلان نمایند.

سزیده نوروژ

میله های نوروژ در هرات پیشینه بس دراز دارد و مردم آن را با خوشرویی و نشاط برگزار کنند. در فرهنگ باستان سزیده نوروژ نس شناخته می شود و هر سال آن را از خانه بیرون کنند. مردم در این روز در سبزه زاران، چمنستان ها و میله گاه ها به گلگشت و گردش رفته و روان را شاد و خرم می سازند. زنان و مردان به طور جداگانه و یا فامیلی نان چاشت را بیرون از منزل صرف می کنند. در عهد مجاهدین نوروژ بدعتی در اسلام معرفی شد و از رفتن زنان به میله نوروژی جلوگیری می شد؛ لیکن طالبان به زور شلاق و تفنگ از رفتن فامیل ها به گلگشت و میله جلوگیری کردند و بساط نشاط، عیش و سرور هرویایان را به کلی برچیدند.

مجمع علمای افغانستان

به تاریخ ۱۱ حمل سال ۱۳۷۵ مجمع علمای افغانستان در قندهار دایر شد. از هرات تعدادی از مولوی صاحبان هراتی به ریاست مولوی خداداد در این جلسه شرکت کردند. هدف از برگزاری آن بیشتر گزینش ملامحمد عمر به صفت امیرالمومنین امارت اسلامی طلبه ها بود. بعد از آن فشارهای طالبان بر مردم افزایش یافت و جنگ ها دامنه دار تر شد.

تشهیر زناکار

دیگرگاه روز سه شنبه ۲۲ جوزای ۱۳۷۵ بود که روی مردی را به جرم زنا سیاه و در حالی که قوطی های خالی را برگردنش آویزان کرده بودند، بر پشت موتردوانی در بازارهای شهر چرخ می دادند و خلائق زیادی آن را تماشا می کردند. بعد از این رسوایی نوبت به سنگسار زن مظلوم می رسید.

تمایل جنسی به عنوان یکی از نیازهای زندگی انسانی وجود دارد و در جوامع مختلف به آن راه‌حل‌های گوناگون به وجود آمده است. از نگاه اسلامی ازدواج بهترین راه رفع این نیازها تشخیص شده که به سبب رسم و رواج‌های جاری و مصارف کم‌رشدن برای جوانان فقیر بسی مشکل می باشد.

شیوه های مشروع و نامشروع رفع تمایلات جنسی برای ثروتمندان و زورمندان از جمله سران خود طالبان فراهم است؛ لیکن این فقیرجوانان اند که به دام طالبان افتاده و در جامعه رسوا و عذابکش می‌شوند. همان طور که فساد اخلاقی و بی‌بند و باری جامعه را خراب می کند، سرکوب غرایض جنسی نیز پیامدهای روحی و روانی بسیار منفی به بار می آورد.

جوانی دربند

روز پنجشنبه ۱۵ برج جاری سال ۱۳۷۵ بود. ساعت بند دستم ۱۱ بجۀ پیش از چاشت را نشان می داد و شمور سوزناک قوس بر سر و روی آدم شلاق می‌کوبید. در مقابل قلعه اختیارالدین غرق تفکر شده بودم و گاه گاهی آواز بلند کوفت‌فروشان پایحصار رویایم را مختل می‌کرد.

به روزگاران بس قدیم می اندیشیدم که محکومان را به حکم قاضی شهر از برج‌های بلند این دژ کهنسال بر زمین می انداختند و زناکاران را در پای ارگ سنگسار می کردند. مثل این‌که زمان به عقب برگشته است و همان اعمال خشن و متعصبانه باز تکرار می‌گردد. این بار نه به خاطر باورهای اعتقادی مردم، بلکه به منظور حفظ قدرت سیاسی و سرکوب آزادی و روحیه سلحشوری مردم.

در زمان قدیم شنیدن موسیقی، رقص و اجرای سرگرمی‌ها حرام نبود؛ اما حالا آنهم جرم به حساب آید. آدم اختیار هیچ چیز خود را ندارد. همه چیز در اختیار اداره امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفته است.

در این موج دریای رویاها غرق بودم که آواز بلند جارچی طالبان مرا تکان داد و متوجه شدم که دو موتر توپوتا پشت سرهم در حرکت اند. در موتر عقبی جوانی دربند دیده می شد که رویش را سیاه کرده و چند تا فته (نوار) ویدیویی و موسیقی برگردنش آویزان کرده بودند. ماموران امر به معروف و نهی از منکر با بلندگو جار می‌زدند: ای مردم باخبرباشید! حال هر کسی که ویدیو و تلویزیون تماشا کند و به موسیقی گوش دهد و یا نوار ویدیویی و موسیقی پخش کند از این جوان محکوم بدتر است. بدانید که در شریعت اسلام دیدن تلویزیون، ویدیو، شنیدن و نواختن موسیقی حرام می باشد و متخلفان به سخت ترین مجازات شرعی رو به رو می شوند. مردم با حیرت به جوانک دربند می نگریستند و هرکس نجواکنان چیزی می گفت.

با تمام این سختگیری‌ها و خشونت‌ها دیدن فیلم‌های ویدیویی و ماهواره بی یک امر بسیار عادی شده است و بیشتر مردم خود را به آن سرگرم می‌سازند. گفته می شود که برخی از طلبه‌ها نیز به تماشای فیلم‌های رقص و آواز زنان پیشاوری علاقه دارند و در خفا تا گل صبح تماشا می کنند.

پایان بخش سوم
ادامه دارد

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ